

## این شب هراس انگیز



با گفتنش یاد چه می‌افتیم؟ تقلب، نمره 20، تجدید، برگه‌های سفید با سربرگ آبی؟ ترس حس پنهان پشت همه این خاطره‌هاست. شب امتحان عبارتی است که با گفتنش، ترس وجود آدم را می‌گیرد.

با گفتنش یاد چه می‌افتیم؟ تقلب، نمره 20، تجدید، برگه‌های سفید با سربرگ آبی؟ ترس حس پنهان پشت همه این خاطره‌هاست. شب امتحان عبارتی است که با گفتنش، ترس وجود آدم را می‌گیرد.

شما را نمی‌دانم، اما من از تمام کسانی که درباره نوستالژی پشت میز مدرسه نشستن و شب‌های پراضطراب امتحان حرف می‌زنند بشدت بدم می‌آید! آخر چطور می‌توان برای آن همه اضطراب، آن همه آزمون ناعادلانه و هیاهوی بی‌دلیل و بی‌ثمر دلتنگ شد؟ چطور می‌توان با شب امتحان خاطره بازی کرد بجز مواقعی که بخواهیم ریشه‌های مشکلات روحی و روانی و ترس‌های بی‌دلیل بزرگسالی را پیدا کنیم.

شب امتحان اصطلاحی یادآور رویکرد و نگرشی ارتجاعی به آموزش است. این اصطلاح نشان‌دهنده مقطعی طولانی است که در آن درس‌ها به میزان زیادی فراموش شدند و به درد نخوردند؛ دورانی که معلمان زحمتکش دغدغه آن را ندارند که چه تعداد از دانش‌آموزان اهل استدلال و یادگیری هستند و حفظ کردن برایشان دشوار است. دوران موقعیت‌های یکسان برای آدم‌های متفاوت که عین بی‌عدالتی است.

دانش‌آموز در این فرآیند خواندن و امتحان دادن آخرین کسی است که در نظر گرفته می‌شود. آنچه طراحی شده، نظامی تحصیلی بر این اساس است که دانش‌آموزان یک سال به مدرسه بروند، یک ماه امتحان بدهند و به شرط توان پاسخ دادن به پرسش‌ها به مرحله بعدی ارتقا پیدا کنند، به همین سادگی! نه کشفی در کار است، نه استعدادی و نه فرآیندی انسان‌ساز.

مواد درسی دانش‌آموزان روستایی و شهری تفاوتی ندارد، شب امتحان هم همین‌طور، بنابراین نه کودک روستایی در مدرسه محروم‌تر از توسعه روستا چیزی می‌آموزد و نه دانش‌آموز شهری در مدرسه گران‌تر غیر انتفاعی اش آداب شهرنشینی و شهروندی را فرا می‌گیرد. از این رو اگر کودک دانشجو شود کمتر از آنچه از دانشجو انتظار می‌رود به محیط پیرامونش آشناست و اگر هم کشاورز شود از پدرش کمتر درباره زمین، طبیعت و کشاورزی صنعتی می‌فهمد، دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل تنها چیزهایی را بلعیده‌اند تا روز امتحان آنها را به کاغذ سفید پس دهند. آنچه از تمام این فرآیند باقی می‌ماند، میزان اطلاعات ناهماهنگ، پراکنده و آمیخته به اشکال، به همراه مقادیر زیادی ترس و زخم روحی است.

در واقع سیستم شب امتحانی یعنی بی‌توجهی به توانایی، استعدادها و پرورش متمرکز و متخصصانه آینده‌سازان وطن. در سیستم معیوب شب امتحان به علایقی که شاید دانش‌آموز به شرط پیگیری آنها کسی شود، هیچ‌گاه اعتنا نمی‌شود البته معلمان دائم می‌پرسند بزرگ که شدی می‌خواهی چه کاره شوی؛ ولی کار به همین جا ختم می‌شود، خب می‌خواهم کارگردان سینما شوم، می‌خواهم خلبان شوم، می‌خواهم پرستار یا نویسنده، موسیقیدان یا فوتبالیست شوم (به هیچ وجه دکتر و مهندس را نخواهم گفت)، حالا مدرسه برایم چه کار خواهد کرد؟ هیچ. بسته مدرسه به همان شیوه همیشگی، مشق دادن و بزرگ کردن هر چه بیشتر استرس‌کشنده شب امتحان با همدستی والدین بچه‌هاست. التیام یا حتی آمادگی هم در کار نیست، هر چه هست نگرانی دانش‌آموز و خانواده بی‌پناهِش است، همین.

مدارس در روز آخر امتحانات بچه ها دیدن دارند. دانش آموزان فریاد می زنند، هورا می کشند با انرژی و اشتیاق لباس فرم مدرسه را در می آورند و دور سرشان می چرخانند، به هم می خندند، به مغازه ها خیره می شوند طوری که انگار هر چه سرگرمی است دیگر متعلق به آنهاست، انگار بچه ها به زندگی برگشته اند، گویی تازه زندگی کردن، معاشرت کردن و تجربه واقعیت آغاز شده، تصاویر می گوید که انگار کودکان از قفسی چند ساله که با شکنجه همراه بوده رها شده اند؛ احساس آزادی در حال تجربه شدن است، احساسی که در آن شب های امتحان، هیچ تعریف و تربیتی برایش وجود ندارد. پرسش اصلی این است چرا مدارس ما ضد واقعیت و آزادی هستند؟ چرا تمام شدن مدرسه و امتحانات یعنی رهایی؟

مدرسه نوعی از آموزش مدرن است که نیاز به نو شدن هر روزه با توجه به خصوصیات نسل ها را دارد، مدارس نیاز مداوم به تصحیح و بازسازی دارند، چراکه نسل ها به طور ناخودآگاه تحت تسلط رسانه ها، ارتباطات وسیع جهانی، اصلاح تغذیه و پیشرفت آموزش های پیش از تحصیل تغییر می کنند و تازه می شوند. می توان رئیس جمهوری کهنسال، مغازه داری قدیمی، کارمندی ناآشنا با فناوری یا نویسنده ای دل بسته به گذشته را تصور کرد، اما معلمان همواره وادار به حرکت با زمان، مجبور به شناخت دوران با انعطافی بالا و تفکری جوان هستند.

این اصل درباره کل نظام آموزشی هم مصداق دارد، نظام ترس و آموزش از طریق ایجاد اضطراب دیگر به تاریخ پیوسته و با ادامه آن تنها بیماران عصبی رها شده در شهر خود را افزایش خواهیم داد. باید به جای حفظ و پاسخ های طوطی وار، منطق، غلبه بر آزمون ها و اعتماد به نفس را به جوانان یاد داد. جامعه امروز ایران تا پوست و استخوان در رنج آزمون و شب امتحان است، در رنج زندگی به شرط بحران که دستاورد شب امتحانی فکر کردن است، باید طلسم بحرانی فکرکردن ها و رواج فراگیر و همه جانبه اضطراب و عصبیت در جامعه به واسطه نظام آموزشی شب امتحانی را شکست.

ترس از نمره، تست، آزمون و کنکور انگار در زندگی روزمره جوانان ایرانی پایان ناپذیر است. این نگاه که حتی در مقاطع تحصیلات تکمیلی هم ادامه دارد از میزان سواد و تسلط فارغ التحصیل کم می کند. اتفاقاً این نگاه هیچ وقت در نظام سنتی آموزشی ایران پایگاه نداشته است و مرسوم نبوده.

بخصوص در سیستم قدیمی حوزه های علمیه آنچه مهم و نشان دهنده توان طلبه یا جوینده دانش بوده است، رسیدن به سطح اشکال کردن در مباحث و قدرت استدلال او بوده است، بنابراین امتحانی مطرح نبوده، بلکه شاگرد باید می توانسته با استاد خود وارد بحث شود و حتی در گفته اش اشکال کند یا تقریری تازه ارائه کند.

این دقیقاً نگاهی است که در نظام آموزشی جهان هم اینک دنبال می شود و نتیجه اش تسلط و سواد به جای حفظ کردن و جویده جویده تکرارکردن است. در این شرایط تولید علم از یک شعار تبدیل به یک طرح عملی جاری در نظام آموزشی می شود؛ نظریه پردازی نتیجه طبیعی چنین نظامی است.

در درون نظام آموزشی فعلی چه در سطح مدارس و چه دانشگاه، چه حوزه و چه آموزش عالی نمی توان امید به طرح های تازه و ایجاد گفتمان های بومی داشت، بلکه فقط درون ساختارهای فکری غربی محتوایی ایرانی می ریزیم و در نهایت انتقادهای غربی ها به خود را شکسته و بسته تکرار می کنیم.

کرسی های آزاداندیشی، نظریه پردازی و... صرفاً از طریق اصلاح نظام آموزشی میسر می شود و این نتیجه کلان نیاز به قدم های

کوچک و تردید در همان شب امتحان های کذایی دارد.

شب های پرترس امتحان در سایه چنین رویکردی جایش را به روزهای پر گشایش درس، بحث و پویایی فکر می دهد. انسان هایی حق جو جایگزین موجوداتی حق دزد و بیگانه با تمدن می شوند. کودکان به جای مترادف دیدن تعطیلی با آزادی، به جای کشف تناقض مدرسه و واقعیت، واقعیت را مورد نقادی قرار داده، اندیشه رهایی را به سطح جامعه خود می برند.

آری باید به شب امتحان به آن نوستالژی دروغین نشستن پشت میز مدرسه، شک کرد و فکری به حال کودکان فردا کرد که نمی خواهند خود را ادامه دهنده نسل های متوالی سوخته بدانند.

علیرضا نراقی - جام جم